

نگاهی به ساخت سنی و وضع مشارکت در بازار کار مردان و زنان در معرض ازدواج و طلاق از دریچه سرشماری

محمدباقر عباسی^۱، معصومه توده‌فلاح^۲، آمنه خطیبی^۳ و محدثه صفاکیش^۴

چکیده

تصمیم‌سازی و برنامه‌ریزی برای جمعیت یک جامعه، نیازمند آگاهی از مشخصه‌های خاص آن جمعیت و به ویژه رصد مستمر تحولات آنهاست. جمعیت زنان و مردان، به ویژه زنان دارای همسر و هرگز ازدواج نکرده به عنوان یکی از ارکان اساسی محاسبه میزان‌های عمومی و باز تعریف شده ازدواج و میزان طلاق متأهلان قابل توجه هستند.

در این مقاله به منظور مطالعه پویایی ساختار سنی-جنسی افرادی از جمعیت که در معرض رویدادهای ازدواج و طلاق هستند، شاخص‌هایی چون نسبت ازدواج و تأهل در جوانی و نسبت ازدواج در سالمندی معرفی و محاسبه شدند. محاسبات نشان می‌دهد، تجرد در جوانی بیش از آنکه برای زنان مطرح باشد مسئله‌ای مردانه است که توجه مسئولان امر را می‌طلبد. در مقابل تأهل در جوانی مسئله‌ای زنانه بوده و به دلیل اهمیتی که زمان ورود زنان جوان به چرخه باروری دارد، می‌تواند به عنوان نکته مثبتی مورد توجه قرار گیرد. همچنین به منظور بررسی اختلاف جنسیتی میان نسبت تأهل در جوانی زنان و مردان، فاصله جنسیتی تأهل در جوانی تعریف شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند، این فاصله بعد از گذشت ۲۰ سال از سرشماری ۱۳۷۵، بیشتر شده است.

علاوه بر این با توجه به تأثیر وضعیت اقتصادی و اشتغال بر تصمیم به ازدواج یا طلاق، مطالعه وضعیت مشارکت در بازار کار افراد بر حسب وضع زناشویی با محاسبه شاخص‌های نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری و نسبت اشتغال صورت گرفته است. کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال مردان دارای همسر، همزمان با افزایش نرخ بیکاری مردان در معرض تجربه نخستین ازدواج، از دیگر یافته‌های این بررسی هستند. شواهد حاکی از این است که شرایط بازار کار برای مردان، عاملی است که شکل‌گیری مردانه بودن تجرد در جوانی را سبب شده است. به نظر می‌رسد، با انجام اقدامات موثر در خصوص بهبود این شرایط برای مردان، افزایش تأهل در جوانی برای مردان دور از انتظار نباشد.

واژگان کلیدی: پویایی جمعیت، ساختار سنی، نسبت تأهل در جوانی، نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری، نسبت اشتغال

۱- مدیرکل دفتر آمار و اطلاعات جمعیتی و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور

۲- کارشناس مسئول آمارهای حیاتی

۳- کارشناس آمار موضوعی

۴- کارشناس تحلیل آمارهای مهاجرت

مقدمه:

مطالعه ساختارهای سنی و جنسی جمعیت یکی از مشغله‌های ذهنی عمده برنامه‌ریزان در سطوح ملی و منطقه‌ای محسوب می‌شود. علاوه بر این، یکی از بخش‌های برنامه‌های توسعه‌ای نیز به مطالعه ساختارهای سنی و جنسی جمعیت می‌پردازد. از نظر جمعیت‌شناختی، سن و جنس، اصلی‌ترین مولفه‌های تفاوت بین افراد و تقریباً مهمترین ویژگی جمعیت‌های انسانی هستند. اهمیت این دو متغیر، در این واقعیت نهفته است که ساختار سنی و جنسی یک جمعیت، متاثر از تعامل فرآیندهای جمعیت‌شناختی (باروری، مرگ و میر و مهاجرت) است و تحت تاثیر عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی قرار می‌گیرد. مطالعه جمعیت‌ها بر حسب جنس، به خاطر نقش‌های متفاوتی است که زن و مرد با توجه به عوامل زیستی، اجتماعی، فرهنگی برعهده دارند. ترکیب سنی جمعیت نیز دارای اهمیت بوده، زیرا هر سنی شرایط و اقتضائات خاص خود را دارد و افراد در سنین مختلف نیازها، توانایی‌ها و قابلیت‌های متفاوت دارند. به طور کلی ساختار سنی و جنسی یک جمعیت، الزامات مهمی را برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و همین‌طور مشارکت نیروی کار و تعاملات جنسیتی دارد. به همین دلیل است، که جمعیت‌شناسان ویژگی‌های جمعیت را اغلب بر حسب سن و جنس تحلیل می‌کنند. برای درک پویایی‌های ساخت سنی و جنسی جمعیت، نیازمند ابزار و معیارهایی هستیم که از آن طریق هم بتوان روند تحولات و تغییرات ساخت آن را، ملاحظه کرد و هم امکان مقایسه آن با جمعیت‌های دیگر را به دست داد.

وضع زناشویی افراد جمعیت، یکی از جنبه‌های اساسی ساخت و ترکیب آن است و تحولات مربوط به الگوی سنی-جنسی زناشویی، به عنوان یکی از عوامل مرتبط با آن است، که در سالهای اخیر تغییرات مستمری داشته است. اطلاعات در خصوص وضع زناشویی از سرشماری‌ها، آمارگیری‌های نمونه‌ای و نظام‌های ثبتی به دست می‌آید. معمول‌ترین روش دسته‌بندی افراد از نظر وضعیت، متمایز کردن جمعیت به گروه‌های زیر است: هرگز ازدواج نکرده یا افراد مجرد: زنان یا مردانی که تا زمان سرشماری هنوز ازدواج نکرده‌اند.

۱. دارای همسر، جمعیتی که در حال حاضر (زمان سرشماری یا آمارگیری) همسر دارد: زنان یا مردانی که عقد ازدواج (دائم یا موقت) بسته‌اند، اعم از اینکه در هنگام سرشماری با همسر خود زندگی مشترک دارند یا خیر، دارای همسر محسوب می‌شوند.
۲. بی‌همسر به دلیل طلاق یا افراد طلاق‌گرفته‌ای که دوباره ازدواج نکرده‌اند: زنان یا مردانی که از همسر خود طلاق گرفتند و تا زمان سرشماری ازدواج مجدد نکرده‌اند.
۳. بی‌همسر به دلیل فوت، افراد بیوه‌ای که دوباره ازدواج نکرده‌اند: زنان یا مردانی که همسرشان فوت کرده‌اند، مشروط بر آنکه تا زمان سرشماری از خانوار، ازدواج مجدد نکرده باشند.

تغییراتی که در نسبت ازدواج کرده‌ها، یا افراد هرگز ازدواج نکرده در گروه‌های سنی پدید آمده، الگوی سنی ازدواج را متأثر کرده و الگوی جمعیت در معرض زناشویی از نظر نقشی که در بازار کار به عنوان فعال، بیکار و شاغل ایفا می‌کنند، دستخوش تغییراتی شده است. طبق نظر دیکسون (۱۹۷۱) سه متغیر دسترسی، امکان و تمایل اثرات ساختار اجتماعی را بر الگوهای ازدواج متعادل می‌کنند. دیکسون، متغیر دسترسی را با دو متغیر توازن نسبت سنی و جنسی و روش انتخاب همسر اندازه‌گیری می‌کند و به نظرش زمانی که عدم توازن در نسبت سنی و جنسی جمعیت وجود دارد و ازدواج‌ها آزادانه و فردی می‌باشد، سن ازدواج بالاتر می‌رود. متغیر امکان، به وضعیت اقتصادی-اجتماعی اشاره دارد و متغیر تمایل، توسط فشار اجتماعی، شامل پاداش اجتماعی از قبیل عشق، عاطفه، حمایت اقتصادی و حفظ اصل و نسب و ... و مجازات‌های اجتماعی به طرد از جامعه و ننگ و رسوایی به دلیل بی‌فرزندگی و یا مجرد قطعی تعریف شده است (به نقل از کرد زنگنه، ۱۳۸۷).

از سوی دیگر امروزه توجه به دوام و فروپاشی خانواده، نزد جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان به دلیل شدت دگرگونی‌های خانوادگی، به نحو چشم‌گیری فزونی یافته است. مطالعات خانواده در سالهای اخیر به پیش‌بینی موقعیت خانواده در آینده و یافتن پاسخی برای این پرسش که آیا نهاد خانواده در ایران دچار تغییر شده است یا خیر، معطوف شده‌اند. از مهمترین شاخص‌های تغییر در نهاد خانواده، می‌توان به تغییر در الگوی سنی و جنسی جمعیت در معرض نخستین ازدواج (جمعیت هرگز ازدواج نکرده) و طلاق (جمعیت دارای همسر) به لحاظ تأثیری که بر آغاز و پایان سن تولید مثل و تشکیل و اضمحلال خانواده، دارند، اشاره کرد. از طرفی دیگر جمعیت‌های در معرض ازدواج و فزونی افراد هرگز ازدواج نکرده، نسبت به گذشته، گویای این مطلب است که تغییرات سبک زندگی و ورود به مدرنیزاسیون، افزایش فرصت‌های تحصیلی به ویژه برای زنان و تغییر در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی و دستیابی به فرصت‌های اقتصادی بهتر، موجبات افزایش تعداد جمعیت هرگز ازدواج نکرده و کاهش جمعیت دارای همسر را فراهم می‌کند. هم‌چنین میرزایی و همکاران، عوامل تعیین‌کننده الگوی ازدواج را به ۳ دسته عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تقسیم می‌کنند. عوامل اجتماعی و فرهنگی شامل طیف وسیعی از متغیرهای نوگرایی یا مدرنیسم، سواد، گرایش‌ها و نگرش‌های افراد و زمینه‌های مذهبی است و عوامل اقتصادی که اثر کوتاه مدتی بر ازدواج، پیش‌رسی یا تأخیر در ازدواج دارند، یا دارای اثری زود هنگام نسبت به عوامل و شاخص‌های اجتماعی یا فرهنگی هستند، همواره زمینه و شرایط مهمی برای تأثیر بر سن ازدواج محسوب می‌شوند (میرزایی و همکاران، ۱۳۷۵).

این مقاله درصدد است، با نگاهی اجمالی به پویایی ساختار سنی-جنسی جمعیت هرگز ازدواج نکرده و دارای همسر، به بیان بهتر افرادی از جمعیت که در معرض تجربه ازدواج و طلاق هستند، به دلیل اهمیت و نقشی که در چرخه باروری دارند، دورنمایی از الگوی زناشویی و عمومیت ازدواج را در میان ایرانیان ترسیم نماید. برای نیل به این هدف با استفاده از نتایج

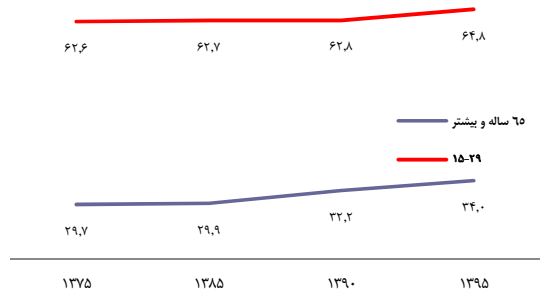
سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵، وضع زناشویی جمعیت ایران و روند تغییرات آن در دو دهه گذشته، بررسی شده است. علاوه بر این با توجه به تأثیر غیر قابل انکار عوامل اقتصادی، به ویژه وضعیت اشتغال افراد بر تصمیم به ازدواج، الگوی مشارکت در بازار کار مردان و زنان دارای همسر و هرگز ازدواج نکرده از منظر نرخ فعالیت، نرخ بیکاری و نسبت اشتغال، مورد بررسی قرار گرفته است.

۲- پویایی سنی جنسی بر حسب وضع زناشویی

هرم‌های سنی یکی از ابزارهای جمعیت‌شناختی است که برای نمایش نموداری ساخت سنی و جنسی جمعیت، به کار برده می‌شود. با نگاهی به هرم سنی، می‌توان تعداد تقریبی جمعیت واقع در هر گروه سنی را به تفکیک جنس تشخیص داد. علاوه بر آن، تشخیص افزایش مطلق بر حسب سن و جنس از مقایسه چندین هرم سنی امکان پذیر است. هرم سنی از یک سو منعکس کننده رویدادهای اجتماعی و اقتصادی خاصی است که در گذشته‌های تاریخی جامعه اتفاق افتاده و بر ترکیب جمعیتی کشور مؤثر واقع شدند و از سوی دیگر، تغییرات ساخت جمعیت را در اثر تولد و مرگ و مهاجرت نمایان می‌سازد. هرم سنی، تصویر روشنی از جمعیت سرزمین را منعکس می‌کند و نشان می‌دهد، این جمعیت در آینده چگونه متحول خواهد شد. به همین منظور برای مقایسه بهتر جمعیت‌های ۱۰ سال و بالاتر کشور، طی ۴ سرشماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ و جمعیت‌های در معرض ازدواج و طلاق همین سنین، از هرم سنی استفاده شده است.

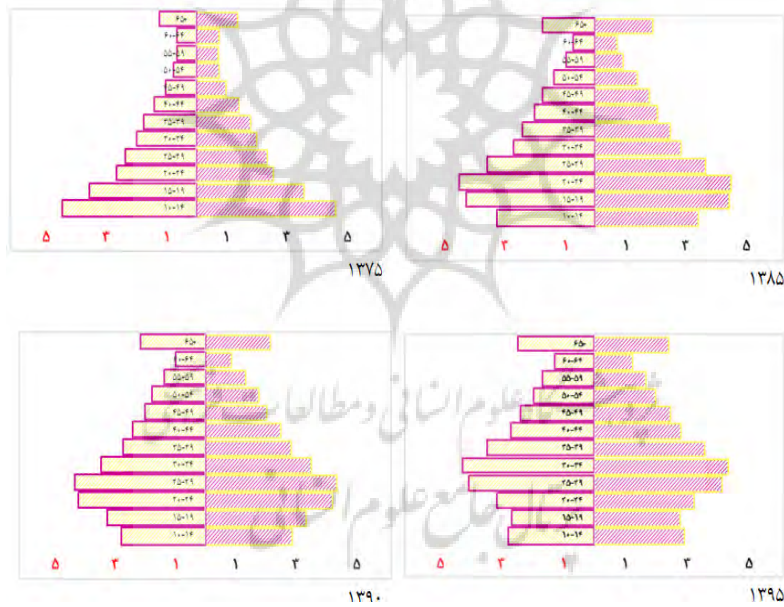
مقایسه سهم زنان و مردان از جمعیت دارای همسر، نشان دهنده زنانه بودن تأهل جوانان ۱۵-۲۹ ساله طی ۵ سال بوده است (افزایش دو درصدی سهم زنان از جمعیت دارای همسر جوان در فاصله سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ و تغییر این سهم از ۶۲٫۷ درصد به ۶۴٫۷ درصد). این مسئله امری است که در خصوص زنان سالمند ۶۵ ساله و بیشتر نیز مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، سهم بیشتری از جمعیت متأهل این گروه‌های سنی در فاصله این سالها، به زنان اختصاص داشته است (نمودار ۱).

زنانه بودن تاهل

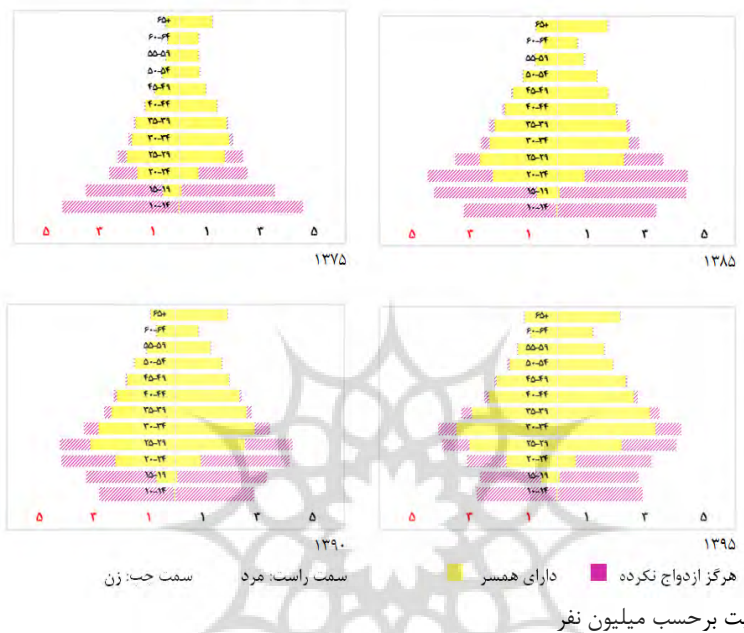


نمودار ۱. سهم زنان از جمعیت دارای همسر جوان و سالمند، ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵

هرم سنی مردان و زنان ۱۰ ساله و بیشتر



هرم سنی مردان و زنان در معرض تجربه نخستین ازدواج و طلاق



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۲-۲ توزیع نسبی وضع زناشویی

جدول ۱، تحول وضعیت عمومی زناشویی طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. در طول این ۲۰ سال، سهم مردان و زنان هرگز ازدواج نکرده، روند کاهشی داشته و به ترتیب ۱۳ درصد و ۹ درصد کاهش را تجربه کرده است. در مقابل، سهم مردان و زنان دارای همسر با رشد حدود ۱۲ درصدی روبرو بوده و از رقم ۵۱،۴ به ۶۳،۳ درصد برای مردان و از ۵۳،۲ به ۶۴،۳ درصد، برای زنان رسیده است. کاهش ۹،۳ درصدی سهم زنان در معرض اولین ازدواج در مقایسه با کاهش حدود ۱۳ درصدی مردان مشابه، نشان می‌دهد، مردان نسبت به زنان با سرعت کمتری ازدواج کرده‌اند و سهم بیشتری از مردان، نسبت به زنان همچنان در معرض اولین ازدواج باقی ماندند. همچنین رشد ۰،۷ و ۰،۸ درصدی بی‌همسری زنان به دلیل مرگ همسر و طلاق در این سالها و مقایسه آن با رقم مشابه برای مردان بیان می‌کند، زنان به مراتب بیشتر از مردان بیوه‌گی و طلاق را تجربه کرده‌اند (جدول ۱ و نمودار ۲).

کاهش نسبت جمعیت دارای همسر و افزایش نسبت جمعیت هرگز ازدواج نکرده، باید در رابطه با وضع زناشویی گروه‌های سنی تبیین شود. بررسی الگوی سنی ازدواج به روشن شدن این امر کمک می‌کند.

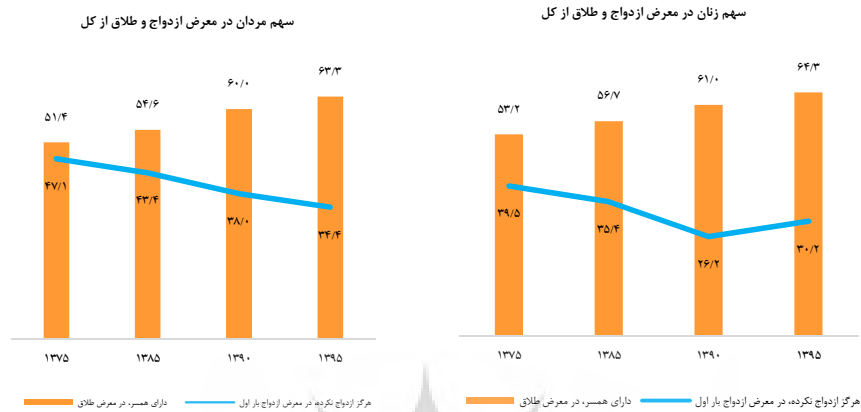
جدول ۱. توزیع نسبی وضع زناشویی مردان و زنان ۱۰ ساله و بیشتر

در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵

جنس و وضع زناشویی	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵	تغییر ۹۵ نسبت به ۷۵
مرد					
دارای همسر	۵۱،۴	۵۴،۶	۶۰،۰	۶۳،۳	۱۲،۰
بی همسر بدلیل فوت همسر	۰،۵	۰،۵	۰،۵	۰،۵	۰،۰
بی همسر بدلیل طلاق	۰،۱	۰،۲	۰،۳	۰،۶	۰،۵
هرگز ازدواج نکرده	۴۷،۱	۴۳،۴	۳۸،۰	۳۴،۴	-۱۲،۷
زن					
دارای همسر	۵۳،۲	۵۶،۷	۶۱،۰	۶۴،۳	۱۱،۱
بی همسر بدلیل فوت همسر	۳،۰	۳،۲	۳،۷	۳،۶	۰،۷
بی همسر بدلیل طلاق	۰،۲	۰،۴	۰،۷	۱،۱	۰،۸
هرگز ازدواج نکرده	۳۹،۵	۳۵،۴	۲۶،۲	۳۰،۲	-۹،۳

* به دلیل حذف رده اظهار نشده، جمع درصدهای ستونی هر یک از دو جنسیت ۱۰۰ نیست.

مأخذ: محاسبه پژوهش‌گران، براساس یافته‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵



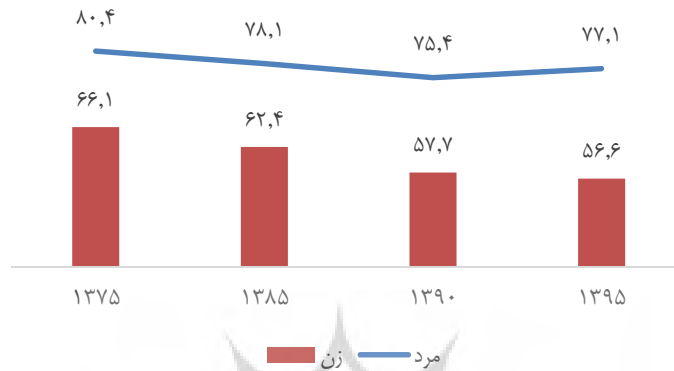
نمودار ۲. سهم زنان و مردان در معرض نخستین ازدواج و طلاق، ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵

۳-۲ ازدواج و مجرد در جوانی و سن باروری

دوره جوانی به عنوان دوره گذار از وابستگی دوران کودکی به استقلال دوران بزرگسالی نامیده می‌شود. ساده ترین راه برای تعریف این گروه، سن است. سازمان ملل متحد برای تطابق آماری در مناطق مختلف، بدون تعارض با تعاریف دیگر کشورهای عضو، جوانان را افراد بین ۱۵ تا ۲۴ سال تعریف می‌کند، اما در ایران، افراد ۱۵ تا ۲۹ ساله به‌عنوان جوان در نظر گرفته می‌شوند. سن جوانی به دلیل ورود افراد به چرخه ازدواج و به تبع آن باروری، دارای اهمیت فراوانی است. مطالعه نسبت مجرد تا ۳۰ سالگی، به معنای درصد مردان و زنانی که تا سن ۳۰ سالگی (۲۹ سال تمام) ازدواج را تجربه نکرده‌اند، در کنار نسبت تأهل در جوانی، سهم مردان و زنانی که در جوانی تا قبل از ۳۰ سالگی ازدواج کرده‌اند، می‌تواند گویای مطالب جالبی در خصوص الگوی ازدواج جوانان باشد.

یافته‌ها نشان می‌دهند، در طول ۲۰ سال منتهی به آبان ۱۳۹۵، نسبت مجرد تا ۳۰ سالگی در میان مردان و زنان روند کاهشی داشته است. نسبت مجرد در جوانی برای زنان از ۶۶٫۱ درصد زن هرگز ازدواج نکرده در سال ۱۳۷۵ به ۵۶٫۶ درصد زن در سال ۱۳۹۵ رسیده است. کاهش حدود ۱۰ درصدی نسبت مجرد تا ۳۰ سالگی زنان، در مقایسه با کاهش تنها ۳٫۳ درصدی این نسبت برای مردان، نشان می‌دهد که در طول این سالها، نسبت مردانی که مجرد مانده‌اند، بیشتر از زنانی که ازدواج نکرده‌اند، بوده است. به عبارت بهتر، می‌توان اینگونه بیان کرد، که

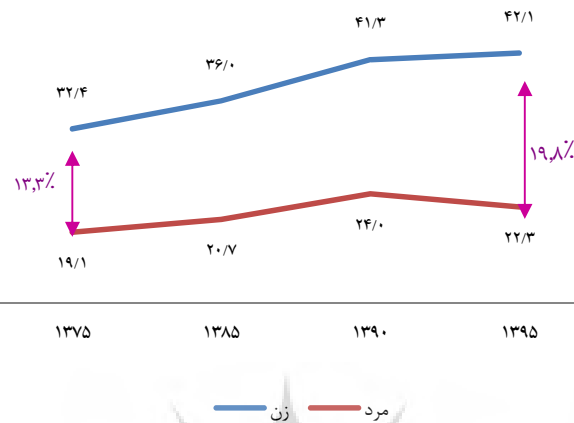
تجرد در جوانی بیش از آنکه برای زنان مطرح باشد، مسئله‌ای مردانه است، که نیاز به توجه مسئولان دارد. (نمودار ۳).



نمودار ۳. روند نسبت تجرد در جوانی مردان و زنان در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵

تأهل در جوانی در میان مردان و زنان، روند افزایشی را طی کرده است. رشد نسبت زنان دارای همسر تا سی سالگی (تاهل در زنان جوان) در طول ۲۰ سال با حدود ۱۰ درصد رشد از ۳۲,۴ درصد در سال ۱۳۷۵، به ۴۲,۱ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این در حالی است که سهم مردان جوان متأهل، تنها ۳,۳ درصد رشد را تجربه کرده است. بررسی اختلاف جنسیتی میان نسبت تأهل در جوانی زنان و مردان، فاصله جنسیتی^۱ تأهل در جوانی را نشان می‌دهد. مقایسه فاصله ۱۳,۳ درصد در سال ۱۳۷۵، با ۱۹,۸ درصد فاصله در سال ۱۳۹۵، نشان می‌دهد، این فاصله بعد از گذشت ۲۰ سال از سرشماری ۱۳۷۵، ۶,۵ درصد (۱۳,۳-۱۹,۸ درصد) بیشتر شده است. به عبارت دیگر، می‌توان اینگونه بیان کرد، تأهل در جوانی مسئله‌ای زنانه است که به دلیل اهمیتی که زمان ورود زنان جوان به چرخه باروری دارد، می‌تواند به عنوان نکته مثبتی مورد توجه قرار گیرد (نمودار ۴).

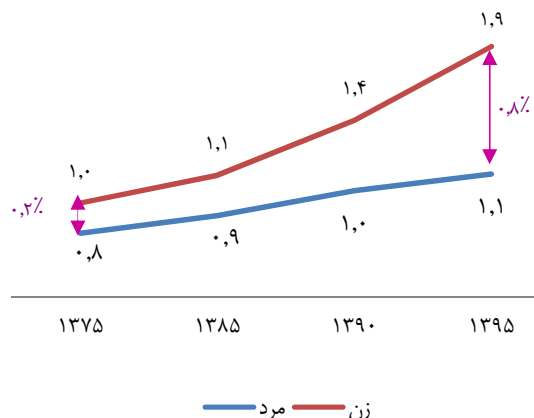
۱- با وجود معنی متفاوت «فاصله جنسیتی» در متون فنی، در این متن بنا به ضرورت برای صورت‌بندی تفاوت مشاهده شده در نسبت تأهل دو جنس، اصطلاح یادشده برای بیان این فاصله اختیار شده است.



نمودار ٤. روند نسبت تأهل در جوانی مردان و زنان در سالهای ١٣٧٥ تا ١٣٩٥

نکته دیگری که در خصوص مجرد زنان وجود دارد، این است که نسبت مجرد زنان در سن فرزندآوری (١٥ تا ٤٩ ساله) در طول ٢٠ سال، با ٥,٤ درصد کاهش از ٣٠,٦ درصد، در سال ١٣٧٥ به ٢٥,٢ درصد، در سال ١٣٩٥ رسیده است. در مقابل نسبت تأهل در میان همین زنان در دوره مشابه با ٤,٣ درصد رشد به حدود ٧١ درصد، در سال ١٣٩٥ افزایش یافته است. این ارقام اگرچه رشد زنان دارای همسر در سن باروری را نشان می‌دهد، اما در عین حال، بیانگر افزایش تعداد خانواده‌های در معرض طلاق نیز است.

سنین ٥٠ سال به بالا که سن میانسالی و سالمندی هم نامیده می‌شود، به دلیل خروج افراد از چرخه کار و ازدواج و فرزندآوری اهمیت دارد. سهم مردان و زنان هرگز ازدواج نکرده، در این سن از سال ١٣٧٥ تا ١٣٩٥ روند افزایشی داشته است. نسبت مجرد در میان زنان ٥٠ ساله و بیشتر، همواره بیشتر از مردان همین گروه سنی بوده است. به این معنا که همواره زنانی که بعد از اتمام سن باروری، همچنان در معرض تجربه نخستین ازدواج هستند، بیشتر از مردان مشابه بوده است. این فاصله در طول ٥ سال اخیر بیشتر شده، به طوری که اختلاف نسبت مردان ٥٠ ساله و بیشتر در معرض نخستین ازدواج، با زنان مشابه از ٠,٣ درصد اختلاف در ٢٠ سال قبل، به ٠,٨ درصد اختلاف، در سال ١٣٩٥ افزایش یافته است (نمودار ٥).



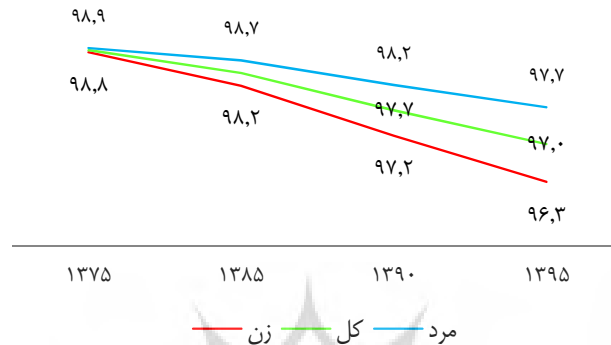
نمودار ۵. روند نسبت تجرد پس از ۵۰ سالگی مردان و زنان در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵

۲-۴ عمومیت ازدواج یا تجرد قطعی

نمودار ۶، عمومیت ازدواج در کشور را طی سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد. تجرد قطعی به صورت میانگین حسابی نسبت تجرد در گروه سنی ۴۵-۴۹ و ۵۰-۵۴ ساله تعریف می‌شود. این نسبت بیان می‌کند، چه سهمی از زنان و مردان تا سن ۵۰ سالگی ازدواج نکرده می‌مانند. با توجه به اینکه احتمال ازدواج برای افراد بیشتر از ۵۰ سال (به ویژه زنان ۵۰ ساله و بیشتر که از چرخه باروری خارج شدند) ناچیز است، ۵۰ سالگی به عنوان سن آستانه‌ای آغاز تجرد قطعی در نظر گرفته می‌شود. در مقابل تجرد قطعی، عمومیت ازدواج (Marriage commonality) به صورت فاصله تجرد قطعی تا ۱۰۰ تعریف می‌شود و نشان می‌دهد، چه نسبتی از جمعیت در طول زندگی خود حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند. این معیار درجه فراگیری ازدواج در جامعه را نشان می‌دهد و تحت تاثیر مجموعه پیچیده‌ای از عوامل عقیدتی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تغییر می‌کند (میرزایی، ۱۳۸۴ ص. ۸۵).

بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از ۴ دوره سرشماری، عمومیت ازدواج طی ۲۰ سال (از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵) کاهش اندکی داشته است و این کاهش در مورد زنان بیشتر از مردان است. در تمام این سالها، ازدواج در میان زنان در مقایسه با مردان رواج کمتری داشته، به طوری که عمومیت ازدواج مردان همواره بزرگتر از زنان بوده است. نکته دیگری که حائز اهمیت است، اینکه ۲۰ سال پیش، میان رواج ازدواج مردان و زنان تفاوت قابل توجهی وجود نداشته و زنان و مردان به یک اندازه زندگی مشترک را تجربه می‌کرده‌اند، اما به مرور زمان، زنان با رسیدن به رقم ۳٫۷ درصدی تجرد قطعی در سال ۱۳۹۵ در مقایسه با ۲٫۳ درصدی برای مردان، در مجرد ماندن از مردان پیشی گرفتند (نمودار ۶). به بیان بهتر سهم بیشتری از زنان ۵۰ ساله و بیشتر نسبت به

مردان هم گروه سنی‌شان بدون تجربه ازدواج باقی می‌مانند. این امر به ویژه برای زنان بدون درآمد و پشتوانه اقتصادی، می‌تواند مشکل‌آفرین باشد.



نمودار ۶. روند عمومیت ازدواج مردان و زنان در سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵

واضح است که ازدواج و تشکیل خانواده بر تصمیم‌گیری افراد مبتنی است، اما نکته مهم این است، که این تصمیم‌گیری‌های فردی اغلب تحت تأثیر بستر اجتماعی و اقتصادی و تغییرات آن قرار دارند. بسیاری از اندیشمندان اجتماعی در توضیح تغییرات خانواده بر اهمیت صنعتی شدن، شهرنشینی و توسعه اقتصادی و تغییرات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی همراه آن اشاره کرده‌اند. صنعتی شدن و به تبع آن تغییر شکل معیشت، تحولات در سیستم اقتصادی، شهرنشینی، تحولات اجتماعی از جمله افزایش سطح تحصیلات (به‌ویژه در مورد زنان)، اشتغال زنان، تغییر نگرش و از بین رفتن نهادها و هنجارهای سنتی مرتبط با ازدواج و خانواده، افزایش برابری جنسیتی و همگرا شدن نقش‌های زنان و مردان، زوال پدرسالاری، بروز فردگرایی و دنبال کردن استقلال شخصی، همگی پدیده‌هایی هستند که تمایلات فردی افراد، مانند تصمیم‌گیری در مورد زمان ازدواج و تشکیل خانواده و الگوی ازدواج و زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

۳- مشارکت در بازار کار

با توجه به اینکه در این مقاله، مطالعه ویژگی‌های افراد در معرض ازدواج (هرگز ازدواج نکرده‌ها برای نخستین ازدواج و بی‌همسران در کل ازدواج‌ها، صرفنظر از مرتبه ازدواج) و افراد دارای همسر به عنوان جمعیت در معرض طلاق، مورد نظر بوده است و اینکه شرایط اقتصادی افراد بر تصمیم آنها به ازدواج یا طلاق موثر است، در این قسمت به مطالعه بازار کار این گروه از افراد با استفاده از نرخ مشارکت اقتصادی، نرخ بیکاری و نسبت اشتغال به عنوان شاخص‌های

عمده نیروی کار که امکان محاسبه آنها از اطلاعات سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن با در نظر گرفتن وضع زناشویی افراد وجود دارد، پرداخته شده است. یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده نرخ بیکاری، میزان اشتغال است که به میزان تولید و رشد اقتصادی بستگی دارد. عواملی که بر میزان عرضه نیروی کار و جمعیت فعال اثر می‌گذارند، در کنار دیگر عوامل تعیین‌کننده میزان اشتغال، می‌توانند بر نرخ بیکاری موثر باشند. با توجه به مفاهیم جمعیت فعال و جمعیت بیکار، روشن است که تغییرات جمعیت فعال، اثر تعیین‌کننده‌ای بر تعیین نرخ بیکاری دارد. در واقع نوسانات نرخ فعالیت اقتصادی جمعیت بالای ۱۰ سال که موجب نوسان جمعیت فعال است^۱، یکی از عوامل مهم در تعیین نرخ بیکاری است. این امر بیشتر تحت تأثیر عوامل جمعیتی نظیر نرخ رشد جمعیت، انتظارات افراد و شرایط بازار کار و البته چگونگی تعریف جمعیت فعال می‌باشد.

در سرشماری‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ افرادی که در هفته ۸ ساعت و بیشتر کار کرده‌اند، شاغل ولی در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ و ۱۳۷۵ کسانی که دارای شغل بوده ولی در هفت روز قبل از سرشماری به اقتضای فصل و ماهیت فصلی کار خود، کار نکرده‌اند (بیکاران فصلی)، مشروط بر آنکه در جستجوی کار دیگری هم نبوده باشند، شاغل محسوب شده‌اند، به استثنای سرشماری‌های ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ که این افراد در شمار بیکاران محسوب شده‌اند. ضمناً قابل ذکر است که سؤالات مربوط به شاغلان در سرشماری‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵ و ۱۳۷۵ از افراد ۱۰ ساله و بیشتر و در سرشماری ۱۳۶۵ از افراد ۶ ساله و بیشتر پرسش شده است. در تمامی این سرشماری‌ها افرادی که در زمان سرشماری به انجام خدمت وظیفه عمومی مشغول بودند، در شمار شاغلان محسوب شده‌اند. تعریف شاغلان در سرشماری‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ مشابه هم و مطابق با تعریف کلی بیان شده در پیوست بوده است.^۲

بنابراین، با توجه به توضیحات پیش‌گفته، به دلیل تغییر تعریف و تأثیر آن در شمارش افراد بیکار و شاغل و اینکه تنها در سرشماری سال ۱۳۶۵ افراد ۶ ساله و بیشتر، به عنوان جمعیت در سن کار در نظر گرفته شده‌اند، به منظور افزایش سازگاری شاخص‌ها در طول سالها، برای

۱- تمامی اعضای ۱۰ ساله و بیشتر خانوارها که در هفت روز قبل از مراجعه مأمور سرشماری شاغل و یا بیکار بوده‌اند، جمعیت «فعال اقتصادی» به‌شمار می‌آیند. تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر که در طول هفته مرجع، حداقل یک ساعت کار کرده و یا بنا به دلایلی به طور موقت کار را ترک کرده باشند، شاغل محسوب می‌شوند. افرادی که در ۷ روز پیش از مراجعه مأمور سرشماری حداقل یک ساعت کار نکرده‌اند و دارای شغلی نیز نبوده‌اند و در ۳۰ روز قبل از مراجعه مأمور آماده به کار (یعنی طی یک دوره ۱۵ روزه شامل ۷ روز گذشته و ۷ روز آینده آمادگی شروع کار را داشته باشند) و در جستجوی کار بوده یا در انتظار بازگشت به شغل قبلی‌شان هستند (قبلاً دارای کار بوده و به دلایلی کار خود را از دست داده و پیوند رسمی شغلی ندارد ولی در انتظار بازگشت به شغل خود بسر می‌برند)، در شمارش بیکار به حساب می‌آیند.

۲- منظور از آمارگیری در این متن سرشماری است. تعاریف بیان شده و تطبیق صورت گرفته در متن، برگرفته از فصل سوم سالنامه آماری کشور-۱۳۹۰ است که به نیروی انسانی اختصاص دارد.

مطالعه روند تحولات بازار کار جمعیت‌ها، به ویژه افراد هرگز ازدواج نکرده و دارای همسر، مقایسه روندی از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ که هم تعریف اشتغال و بیکاری و هم گروه سنی جمعیت در سن فعالیت (افراد ۱۰ ساله و بیشتر) یکی بوده است، انجام شده است.

۳-۱ نرخ مشارکت اقتصادی

نرخ مشارکت اقتصادی نشان می‌دهد، چه درصدی از جمعیت در سن کار (۱۰ ساله و بیشتر)، فعال، یعنی شاغل یا بیکار هستند. در نگاه کلی، در طول ۲۰ سال منتهی به آبان ماه ۱۳۹۵، نرخ مشارکت اقتصادی مردان و زنان روند رو به رشدی را پشت سر گذاشته است (در حدود ۴ درصد افزایش نرخ مشارکت). افزایش نرخ مشارکت اقتصادی به معنای افزایش عرضه نیروی کار در کشور و نکته مثبتی است. در همین زمان مشارکت اقتصادی مردان دارای همسر از ۸۸٫۷ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۹ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. به این ترتیب نرخ مشارکت اقتصادی این گروه از مردان با حدود ۱۰ درصد کاهش، بیشترین تغییر را تجربه کرده است. بعد از آن مردان و زنانی که تجربه طلاق را پشت سر گذاشته‌اند، بیشترین رشد نرخ مشارکت اقتصادی را داشته‌اند (جدول ۳). در طول این ۲۰ سال، اگرچه نرخ فعالیت زنان هرگز ازدواج نکرده پا به پای مردان رشد داشته است، اما همچنان شاهد فاصله جنسیتی، در مشارکت اقتصادی هستیم (نمودار ۷).

جدول ۳. نرخ مشارکت اقتصادی (نرخ فعالیت) جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع زناشویی، درصد

تغییر ۹۵ نسبت به ۷۵	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	جنس و وضع زناشویی
۳٫۷	۳۹٫۰	۳۸٫۱	۳۹٫۴	۳۵٫۳	کل
۳٫۶	۶۴٫۳	۶۴٫۶	۶۵٫۶	۶۰٫۸	مرد
-۹٫۷	۷۹٫۰	۸۱٫۲	۸۵٫۱	۸۸٫۷	دارای همسر
-۵٫۷	۳۴٫۲	۳۳٫۳	۳۳٫۰	۳۹٫۹	بی همسر بدلیل فوت همسر
۸٫۷	۷۷٫۸	۷۱٫۴	۷۱٫۷	۶۹٫۱	بی همسر بدلیل طلاق
۷٫۱	۳۷٫۹	۳۹٫۱	۴۲٫۲	۳۰٫۸	هرگز ازدواج نکرده
۴٫۱	۱۳٫۲	۱۱٫۴	۱۲٫۴	۹٫۱	زن
۲٫۵	۱۱٫۸	۹٫۱	۱۱٫۳	۹٫۳	دارای همسر
۳٫۹	۱۰٫۱	۱۱٫۶	۶٫۶	۶٫۱	بی همسر بدلیل فوت همسر
۹٫۲	۳۳٫۴	۳۵٫۱	۳۳٫۰	۲۴٫۱	بی همسر بدلیل طلاق
۶٫۶	۱۵٫۸	۱۴٫۸	۱۴٫۸	۹٫۱	هرگز ازدواج نکرده

مأخذ: محاسبه پژوهش‌گران، بر اساس یافته‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵



نمودار ۲. سهم زنان و مردان در معرض نخستین ازدواج و طلاق، ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵

۳-۲ نرخ بیکاری و اشتغال

شاخص نرخ بیکاری نشان می‌دهد، چند درصد از جمعیت در سن فعالیت، موفق به یافتن شغل نشده و بیکار هستند. هرچه نرخ کوچکتر باشد، به این معنا است که جامعه توانسته با فراهم آوردن فرصت‌های شغلی، پاسخگوی نیاز تأمین شغل برای جمعیت در سن فعالیت ۱۰ ساله و بیشتر باشد. در مقابل نرخ بیکاری، نرخ اشتغال به صورت سهم شاغلان از کل جمعیت در سن فعالیت تعریف می‌شود. بنابراین، بررسی نرخ بیکاری به طور ضمنی، نرخ اشتغال را نیز نشان می‌دهد. بر اساس نتایج به دست آمده از سرشماری ۱۳۹۵، نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر در کل کشور، برابر با ۱۲.۶ درصد بوده است. این نرخ برای مردان و زنان به ترتیب برابر با ۱۰.۶ و ۲۲.۶ درصد بوده است (جدول ۴). در طول دوره ۱۰ ساله قبل از سرشماری ۱۳۹۵، تنها در حدود ۵۷ درصد از زنان در سن فعالیتی که در معرض ازدواج بار اول هستند، شاغل بودند (نرخ بیکاری حدود ۴۳ درصدی زنان هرگز ازدواج نکرده در این سالها گویای این مطلب است).

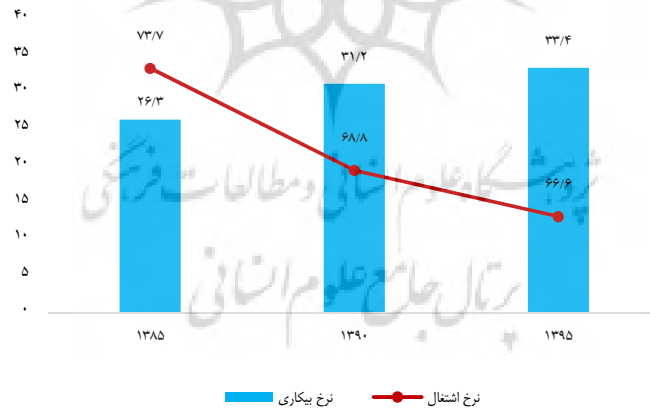
جدول ۴. نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر

بر حسب وضع زناشویی، درصد

جنس و وضع زناشویی		۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵
کل		۱۲٫۶	۱۴٫۸	۱۲٫۸
مرد		۱۰٫۶	۱۳٫۱	۱۰٫۸
دارای همسر		۴٫۵	۷٫۶	۴٫۶
بی همسر بدلیل فوت همسر		۳٫۱	۷٫۵	۶٫۵
بی همسر بدلیل طلاق		۲۰٫۵	۲۶٫۱	۱۷٫۹
هرگز ازدواج نکرده		۳۳٫۴	۳۱٫۲	۲۶٫۳
زن		۲۲٫۶	۲۴٫۲	۲۳٫۳
دارای همسر		۱۲٫۸	۱۲٫۸	۸٫۲
بی همسر بدلیل فوت همسر		۲٫۹	۴٫۵	۵٫۲
بی همسر بدلیل طلاق		۲۲٫۳	۲۲٫۵	۱۶٫۷
هرگز ازدواج نکرده		۴۴٫۱	۴۲٫۳	۴۳٫۳

مأخذ: محاسبه پژوهش‌گران، بر اساس یافته‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

در همین دوره زمانی مردان هرگز ازدواج نکرده با رشد ۷٫۱- درصدی نرخ اشتغال (۲۶٫۳) درصد نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۵ در مقایسه با نرخ ۳۳٫۴ درصدی بیکاری در سال (۱۳۹۵) بیشترین تغییر در نرخ اشتغال (بیکاری) را تجربه کرده‌اند (نمودار ۸).



نمودار ۸. نرخ بیکاری و اشتغال مردان هرگز ازدواج نکرده، در معرض ازدواج بار اول در

سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵

۳-۳ نسبت اشتغال

نسبت اشتغال، بیانگر سهم شاغلان از کل جمعیت در سن کار و فعالیت، به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های بازار کار که اثر مثبت بر تولید ناخالص داخلی داشته و معیاری برای سنجش توان اقتصادی کشور، در ایجاد اشتغال به شمار می‌آید. در سال ۱۳۹۵، این نسبت برای جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر ۳۴,۱ درصد بوده است. نسبت یاد شده برای مردان به مراتب بیشتر از زنان بوده است، به طوری که نسبت مذکور در سال ۱۳۹۵ به ترتیب برای مردان و زنان برابر با ۵۷,۵ و ۱۰,۲ درصد، محاسبه شده است (فاصله جنسیتی در حدود ۴۷ درصد).

محاسبات نشان می‌دهند، این شاخص در طول ۲۰ سال قبل از سرشماری ۱۳۹۵، با شیب ملایمی، روندی افزایشی را طی کرده است و از ۳۲,۱ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۴,۱ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. این ۲ درصد تغییر، نشان دهنده افزایش توان اقتصادی کشور در ایجاد اشتغال و رونق اقتصادی در کشور بوده است. اگرچه نسبت اشتغال مردان و زنان در حدود ۲ درصد رشد را تجربه کرده است، اما مردان دارای همسر، در همین دوره کاهش حدود ۱۰ درصدی، نسبت اشتغال را پشت سر گذاشته‌اند (جدول ۵).

همچنین کاهش سهم شاغلان مرد هرگز ازدواج نکرده، امری است که در طول ۱۰ سال، از ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵، شاهد آن بوده‌ایم (نسبت اشتغال ۳۱,۱ درصد در سال ۱۳۷۵ در مقایسه با ۲۵,۲ درصد در سال ۱۳۹۵). این در حالی است، که سهم شاغلان زن طی یک دوره ۲۰ ساله از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵ روند رو به رشدی را سپری کرده است. به ویژه این افزایش در میان زنانی که همسرشان فوت کرده، در مقایسه با مردان مشابه قابل ملاحظه است (۵,۸ نسبت اشتغال سال ۱۳۷۵ در مقایسه با ۹,۸ درصد در سال ۱۳۹۵). سهم شاغلان زن هرگز ازدواج نکرده در طول ۱۰ سال از ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ از ۶,۶ درصد به ۸,۴ درصد افزایش یافته است و پس از آن با اندکی تغییر (تنها ۰,۴ درصد افزایش) به ۸,۸ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است (جدول ۵).

صرف‌نظر از روندهای متفاوتی که نسبت اشتغال زنان و مردان با وضع زناشویی مشابه یکدیگر تجربه کرده‌اند، نکته قابل توجه دیگری که از مقایسه نسبت اشتغال مردان و زنان به دست می‌آید، اینکه سهم شاغلان مرد در هر گروه بیشتر از شاغلان زن در همان گروه بوده است و این امر نشان می‌دهد، در جامعه ما به‌رغم رشدی که نسبت اشتغال و مشارکت اقتصادی زنان تجربه کرده، اما همچنان اشتغال امری مردانه به شمار می‌آید.

جدول ۵. نسبت اشتغال جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب وضع زناشویی، درصد

جنس و وضع زناشویی	۱۳۹۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۷۵	تغییر ۹۵ نسبت به ۷۵
کل	۳۴،۱	۳۲،۵	۳۴،۴	۳۲،۱	۲،۰
مرد	۵۷،۵	۵۶،۱	۵۸،۵	۵۵،۶	۱،۹
دارای همسر	۷۵،۴	۷۵،۰	۸۱،۲	۸۴،۷	-۹،۲
بی همسر بدلیل فوت همسر	۳۳،۲	۳۰،۸	۳۰،۸	۳۵،۲	-۲،۰
بی همسر بدلیل طلاق	۶۱،۹	۵۲،۷	۵۸،۹	۵۷،۹	۴،۰
هرگز ازدواج نکرده	۲۵،۲	۲۶،۹	۳۱،۱	۲۴،۵	۰،۷
زن	۱۰،۲	۸،۶	۹،۵	۷،۹	۲،۳
دارای همسر	۱۰،۳	۸،۰	۱۰،۳	۹،۱	۱،۳
بی همسر بدلیل فوت همسر	۹،۸	۱۱،۱	۶،۲	۵،۸	۳،۹
بی همسر بدلیل طلاق	۲۵،۹	۲۷،۲	۲۷،۵	۲۱،۷	۴،۳
هرگز ازدواج نکرده	۸،۸	۸،۵	۸،۴	۶،۶	۲،۳

مأخذ: محاسبه پژوهش‌گران، بر اساس یافته‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵

۴- نتیجه‌گیری

در چند دهه اخیر، به دلیل تحولات اجتماعی و تغییرات سریعی که در ساختار اجتماعی ایران پدیدآمده، شکل، ساخت و نقش خانواده دگرگون شده و به تبع آن، وضع زناشویی جمعیت ایران نیز دستخوش تغییر گشته است. فروپاشی خانواده گسترده و شبکه خویشاوندی، افزایش سواد عمومی و بالارفتن سطح تحصیلات، به ویژه تحصیلات زنان و اشتغال بیشتر آنان در فعالیت‌های برون خانواده، افزایش هزینه زندگی، به‌ویژه هزینه مسکن، ازدواج و مسائل اقتصادی، به‌ویژه برای مردان و... از جمله عوامل موثر در تحول وضع زناشویی جمعیت ایران بوده‌اند. نگاهی ۲۰ ساله به پویایی سنی، جنسی و وضع فعالیت جمعیت بر حسب وضع زناشویی، بر اساس یافته‌های سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، مطالب زیر را نمایان ساخته است.

روند کاهشی سهم مردان و زنان در معرض تجربه نخستین ازدواج (به ترتیب ۱۳ درصد و ۹ درصد کاهش) در مقابل افزایش سهم مردان و زنان دارای همسر (رشد حدود ۱۲ درصدی) در کنار کاهش اندک عمومیت ازدواج، حاکی از وضعیت نسبتاً مطلوب ازدواج در ایران است. اگرچه نگاه دقیق‌تر به زیرگروه‌های سنی و جنسی نشان می‌دهد، مردان نسبت به زنان با سرعت کمتری ازدواج کرده‌اند و سهم بیشتری از مردان نسبت به زنان همچنان در معرض

اولین ازدواج باقی ماندند. تأهل در جوانی، در میان مردان و زنان روند افزایشی را پشت سر گذاشته است، اما با توجه به رشد کمتر متأهلان جوان مرد، نسبت به زن، می‌توان اینگونه بیان کرد که تأهل در جوانی مسئله‌ای زنانه است، که به دلیل اهمیتی که زمان ورود زنان جوان به چرخه باروری دارد، می‌تواند به عنوان نکته مثبتی مورد توجه قرار گیرد. بر اساس اطلاعات به دست آمده، از ۴ دوره سرشماری، (از ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵) کاهش بیشتر عمومیت ازدواج زنان نسبت به مردان، نشان دهنده این است که به مرور زمان، سهم بیشتری از زنان ۵۰ ساله و بیشتر، نسبت به مردان هم گروه سنی‌شان، بدون تجربه ازدواج باقی می‌مانند. این امر به ویژه برای زنان بدون درآمد و پشتوانه اقتصادی، می‌تواند مشکل‌آفرین باشد.

واضح است که ازدواج و تشکیل خانواده بر تصمیم‌گیری افراد مبتنی است، اما نقش تحولات مجموعه‌ای از عوامل اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی بر تمایلات شخصی افراد، مانند تصمیم‌گیری در مورد زمان تشکیل خانواده و الگوی ازدواج و زناشویی، مسئله‌ای است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. روند تغییر مشارکت در بازار کار افراد از منظر وضع زناشویی گویای این مطلب است.

کاهش نرخ مشارکت اقتصادی و نسبت اشتغال مردان دارای همسر در فاصله سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۵، همگام با افزایش نرخ بیکاری مردان در معرض تجربه نخستین ازدواج، در فاصله سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ (افزایش از ۲۶,۳٪ به ۳۳,۴ درصد) بیانگر شرایط نامطلوب بازار کار برای مردان بوده است. با پذیرش این مطلب که داشتن شغل و منبع کسب درآمد، از سوی مردان، عامل موثری بر اقدام به تشکیل خانواده است، مردانه بودن مجرد در جوانی قابل توجیه است.

منابع:

- کرد زنگنه، جعفر، بررسی پویایی ازدواج و طلاق در ایران، براساس سرشماری ۱۳۸۵، ماهنامه مهندسی فرهنگی، شماره ۲۱ و ۲۲، مهر و آبان ۱۳۸۷.
- میرزایی، محمد، گفتاری در باب جمعیت شناسی کاربردی، انتشارات دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۴
- میرزایی، محمد، کوششی، مجید و ناصری، محمدباقر (۱۳۷۵)، برآورد و تحلیل شاخص‌های حیاتی- جمعیتی در کشور، در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۰. موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سالهای ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران.

